

دموکرات‌ها در تیرماه به آذربایجان غربی رفتند و آتش فتنه‌ای را در آنجا روشن کردند. شهید چمران در این فتنه پیشاپیش تمام نیروهایش برای گشودن معابر پیش می‌رفت و ترسی به خود راه نمی‌داد. پس از آن نوبت به مریوان رسید. در مریوان فجایع هولناکی توسط احزاب چپ رقم خورد. «دولت به من مأموریت داد که به مریوان بروم. من نیز همراه سرتیپ فلاحی فرمانده نیروی زمینی با یک هلیکوپتر وارد پادگان مریوان شدم، شهر در تصرف چپی‌ها بود. ما مدت ده روز در مریوان ماندیم و با فعالیت‌های شبانه روزی و جلسات متعدد بالاخره موفق شدیم که قضیه را با صلح و صفا حل کنیم».

پس از مریوان نوبت به پاوه رسید. پاوه یکی از انقلابی‌ترین شهرهای آن زمان بود «حدود ۲۵۰ پاسدار کرد محلی از پاوه پاسداری می‌کردند و این برای ضد انقلاب‌ها غیرقابل تحمل بود» پاوه جزو حساس‌ترین مناطق بود. اگر پاوه سقوط می‌کرد تمام کردستان به دست چپگراهای می‌افتاد. در تاریخ ۵۸/۵/۱۴ حزب دموکرات به امام خمینی نامه نوشت و در آن به ارتش حمله کرد. «در این نامه، حزب دموکرات رسماً نزدیکی فاجعه بزرگی را با تأکید تمام پیش‌بینی می‌کند، زیرا خود مسؤول و طراح این فاجعه است و بیش از هرکس به جزئیات آن آگاهی دارد» در پاوه ارتش اصلاً قادر به حرکت نبود گویی اصلاً وجود نداشت «فقط معجزه رخ داد که امام شخصاً فرماندهی قوا را به دست گرفت [این بخش از تاریخ توسط حاتمی‌کیا به تصویر کشیده شد. او با دقت بالا جزئیات را در فیلم «چ» پیاده کرده بود. اگرچه صرفاً این کتاب مسبب ساخت این اثر نشد اما تأثیر به‌سزایی در شناخت چمران و حوادث پاوه داشت؛ به خصوص لحظه سقوط هواپیما «کابین هلیکوپتر متلاشی شده بود و جسد نیمه جان دو خلبان آن به بیرون آویزان شده بود در حالی که پای آنها همچنان در داخل کمر بند صندلی گیر کرده بود و با گردش موتور و لرزش هلیکوپتر اجساد آنها نیز تلو تلو می‌خوردند، مجروحان داخل هلیکوپتر همگی به شهادت رسیدند» پاوه سخت‌ترین مرحله بوده است. نیروها به شدت تضعیف شده بودند. چمران خودش را برای شهادت آماده کرده بود. روزها و ساعت‌های متوالی در جنگ بودن آه از نهاد همه بلند کرده بود. از تمام شهر پاوه فقط دو نقطه دست پاسداران بود. در نهایت در تاریخ ۵۸/۵/۲۷ اعلامیه‌ای تاریخی که اساس بزرگ‌ترین تحولات انقلابی کشور به شمار می‌رود، توسط امام خمینی صادر شد. در این اعلامیه فرمان قلع و قمع ضدانقلاب‌ها توسط ارتش صادر شده بود. «من اصلاً خبر نداشتم که اخبار هولناک پاوه به کسی می‌رسد و امام خمینی و ملت ایران از جریان پاوه خبر دارند» در پاوه فرقی میان جوان و پیر نبود. همه برای شهادت سر و دست می‌شکستند. فرمان امام آبی بود بر آتش وقایع این چند ماهه؛ وقایعی که روح و جان مردم را درگیر کرده بود و مردم را به سمت انقلاب سوق داده بود [به هیچ وجه فکر نمی‌کردم که زنده بمانم و فریاد استغاثه من با این تشکر قلبی به شما برسد. در میان رگبار گلوله، در میان گرداب دشمنان، حتی یک لحظه امید به زنده ماندن نداشتم ولی قاطعانه تصمیم گرفتم که به استقبال شهادت بروم، اما معجزه‌ای رخ داد، آنچنان کوبنده و زیر و رو کننده که برای هیچ‌کس قابل تصور نبود. فرمان امام صادر شد، به کوه‌ها و دشت‌ها لرزه انداخت. چه معجزه‌ای! که فقط از مردان برانگیخته خدا میسر است و بس] «نجات پاوه جنگ و شهادت ما نبود چون آنجا همه آماده شهادت بودند، بلکه فرمان امام بود».

کتاب کردستان در اینجا وارد بخش دوم خود می‌شود. بخشی که مجموعه‌ای از دست‌نوشته‌ها، نامه‌ها و مناجات‌های شهید چمران است. کردستان بخش اندکی از دریای وجود چمران را به نمایش گذاشته است. این عارف بزرگ شناخته‌شدنی نبوده و نیست.



مروری بر کتاب کردستان، اثر شهید مصطفی چمران

چ در «کردستان»

زینب آزاد
روزنامه‌نگار

سن و سالم آنقدری نیست که چمران را درک کرده باشم یا حتی جنگ را، تمام اطلاعاتم محدود به کتاب‌هاست و به لطف دنیای این روزها، گوگل جان! اینقدری می‌دانم که دکتر مصطفی چمران در دولت مهدی بازرگان وزیر دفاع ایران بوده است، در برخی جنگ‌ها فرماندهی را به دست داشته و البته بنیان‌گذار ستاد جنگ‌های نامنظم (چریکی) در ایران است. همچنین حضور پررنگ او در آشوب‌های غرب کشور مشهور است.

یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ گروه‌ها و قبایل مختلفی در ایران ادعای حق‌خواهی کردند و دست به آشوب زدند. از جمله آنها کردستان بود. اصل حادثه کردستان چه بود؟ این سؤالی بود که ابراهیم حاتمی‌کیا در سال ۹۲ با ساختن فیلم «چ»، ذهن ایرانیان به خصوص جوانان را قلقلک داد تا درباره آن روزها بیشتر بدانند. یکی از آنها خود من بودم. تا این‌که به کتاب «کردستان» رسیدم. چمران مرد رویایی ایران تنها کسی است که درباره حوادث کردستان و اتفاقات آن مستنداتی را نوشته است. همین مقدار مستندات هم سخنرانی‌ها و دست‌نوشته‌های اوست که به کوشش مهدی چمران در کتاب «کردستان» گردآوری شده است. مهدی چمران ماجرای جمع‌آوری این کتاب را این‌گونه بیان کرده است:

«زمانی که وی از سوی امام راحل (ره) به‌عنوان وزیر دفاع انتخاب شد، ما از او خواستیم حوادث کردستان و پاوه و خاطرات خود را به نگارش درآورد. پس از این‌که شهید چمران پذیرفت، با هم به قم و منزل حاج احمد خمینی و خانواده وی رفتیم. به این ترتیب، متن اولیه این کتاب طی دو روز اقامتمان در قم آماده شد. پس از آن براساس دست‌نوشته‌ها و سخنرانی‌های مصطفی، بنده مطالب این کتاب را تکمیل و

آماده چاپ کردم»

شهید چمران در این کتاب حادثه کردستان را با روایت جذاب و منطقی، جزء به جزء تعریف می‌کند. علاوه بر تحلیل حوادث کردستان، به بررسی دیگر مناطق ایران در آن برهه از تاریخ هم پرداخته است. کردستان به دلیل موقعیت حساسی که داشت بیشتر مورد توجه دشمنان بود «به محض پیروزی انقلاب، آشوب در کردستان شروع می‌شود و در تاریخ ۵۷/۱۲/۱ یعنی فقط هشت روز پس از پیروزی انقلاب، توطئه‌گران پادگان ارتش مهاباد را محاصره می‌کنند و در همان روز داریوش فروهر و بعضی مسؤولان دیگر دولتی برای مذاکره و جست‌وجوی راه‌حل‌های مناسب به مهاباد آمده بودند...» اصل این آشوب دو علت دارد:

خارجی: «پیروزی انقلاب منافع و مصالح ابرقدرت‌ها را به خطر انداخت و هر یک با قدرت خود در صدد دشمنی با انقلاب و جلوگیری از انتشار آن برآمدند و در این راه همه دست نشانندگان داخلی خود را نیز به معرکه کشاندند.»

داخلی: «کردستان برای ما یک نقطه ضعف به شمار می‌رفت و استعمارگران و ضدانقلابیون از این نقطه ضعف سوءاستفاده کرده و درست به همان نقطه حمله کردند».

پس از کردستان، نوبت به سنندج و نقده رسید. در سنندج تیمسار قرنی با ذکاوت خود از شیوع آشوب جلوگیری کرد، اما «این احزاب چپ در اعلامیه‌ها و تبلیغات خود تیمسار قرنی را به شدت کوبیدند، او را فاشیست، دیکتاتور و قاتل لقب دادند». اما نقده، شهری که قریب به ۱۵ هزار نفر ساکن تُرک زبان دارد. اصلاً چرا نقده؟ مگر جنگ بین کردها نبود؟ «آنها می‌خواستند مسلحانه بر نقده نیز مسلط شوند، زیرا نقده دروازه آذربایجان است و برای وصول باشنویه، جلیدان و پیرانشهر حیاتی است» همه این آشوب‌ها شکست خورد. احزاب چپ خلع سلاح شدند. فقط افراد زیادی برای دفاع از انقلاب و ایران در این میان شهید شدند.



چمران، مرد رویایی
ایران تنها کسی است
که درباره حوادث
کردستان و اتفاقات
آن مستنداتی را
نوشته است. همین
مقدار مستندات هم
سخنرانی‌ها و
دست‌نوشته‌های
اوست که به کوشش
مهدی چمران در کتاب
«کردستان» گردآوری
شده است